یادداشت روز

سرمایه امید و تاجران یأس و ترس

۱) بزرگ‌ترین سرمایه هر کشور، امید و اراده و باور جمعی مردم همان کشور است. بنابراین، بزرگ‌ترین تهدیدها نیز از سوی کسانی پدید می‌آید که با «یأس‌فروشی، تجارت ترس و القای ناتوانی»، به این سرمایه اجتماعی آسیب می‌زنند. این، سرمایه امید و اراده بود که توانمندی‌های دفاعی کشور و از جمله موشک‌های هایپرسونیک و پهپادهای دوربرد نقطه‌زن را در اوج تحریم‌ها تا مرز بازدارندگی ارتقا داد. همین اراده، سوخت ۲۰ درصد رآکتور هسته‌ای تهران را تولید کرد و تحریم و گروگان‌گیری دارویی را درهم شکست. در تداوم همین امید و در مقابل تحریم بنزینی، بود که برنامه تأسیس پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس، در سال ۱۳۸۵ به همت قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا (ص) به اجرا درآمد.

۲) بی‌تردید، «تحلیل‌های فلج‌کننده»، هزار برابر بدتر از «تحریم‌های فلج‌کننده»است. تحریم‌های فلج‌کننده و فشار حداکثری، در مقابل اراده جمعی ملت ما شکست خورد، بنابراین بدیهی است که پایوران دشمن، این اراده برآمده از امید را با خنجر مسموم «تحریف» هدف بگیرند. اهتمام به تولید قدرت، و با فریب و وسوسه‌ها، خام دشمن نشدن، آن راهبرد اساسی است که می‌تواند موجب زایندگی و پویندگی شود، تولید قدرت کند، الهام‌بخش تمدنی باشد و عندالاقتضاء پای میز مذاکره، اراده خود را بر بیگانگان تحمیل کند. تولید و تکثیر منابع قدرت، حتماً زحمت دارد و زمانبر است. برای استفاده از سایه و میوه درخت، باید آن را کاشت و داشت تا سپس بتوان بهره‌مند شد. متأسفانه برخی مدیران در مقاطعی خیال کردند به جای این رویکرد منطقی، می‌توان منابع قدرت کشور را در مذاکره به رقیبان و دشمنان واگذار کرد و آنگاه به رونق اقتصاد و امنیت رسید!

۳) تحلیل‌های فشل‌کننده بود که القا می‌کرد: کشور نیازی به برنامه هسته‌ای ندارد؛ اوباما بسیار مودب، و ترامپ تاجری محترم و شیدای توافق است؛ با یک امضا و توافق و واگذاری یا تعطیلی برنامه هسته‌ای می‌توان ۲۰۰ میلیارد، بلکه ۲۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی را به کشور جذب کرد؛ اقتصاد کشور را بدون تسلیم در مقابل غرب نمی‌توان سامان داد، و صدها گزاره مشابه. در حالی که جنگ در غزه، یمن و سوریه، میان روسیه و اروپا و آمریکا (اوکراین)، و هند و پاکستان برقرار است و حتی ممکن است به میان آمریکا و چین کشیده شود، چرا کسانی تلقین کردند که «روزگار آینده، روزگار مذاکره است نه موشک»، و دنبال برجام ۲و ۳ هم بودند! چنین مدیرانی، می‌خواستند دسترنج فناوران حوزه‌های مختلف تولید قدرت را حراج کنند و سپس، کاسه «چه کنم» به دست بگیرند، چنان که مبتلا شدند.

۴) در سال ۱۳۹۹ و ابتدای سال ۱۴۰۰، چگونه می‌شد امید را در مردم زنده نگاه داشت و حال آن که روزانه تا ۷۰۰ نفر در اثر شیوع کرونا جان می‌باختند، اما رئیس و سخنگوی دولت وقت ادعا می‌کردند «واکسن کرونا، سوهان قم نیست» و «بدون حل مشکل FATF نمی‌توان واکسن وارد کرد»؟! این پمپاژ یأس، واکنش مدیرانی بود که خود را فوق‌تخصص تدبیر و تمثال دیپلماسی وانمود می‌کردند و در مقابل، خود یا پادوهای رسانه‌ای‌شان، از هیچ دروغ ناجوانمردانه‌ای دریغ نکردند و آقای رئیسی را فردی با شش کلاس سواد و فاقد مهارت‌های مدیریتی و دیپلماتیک نشان می‌دادند! اما مردم دیدند که وقتی «سید ابراهیم رئیسی» بر مصدر ریاست جمهوری نشست، چگونه توانست از مسیر دیپلماسی فعال و خلاّق، واکسیناسیون سراسری را به اجرا بگذارد و به جنگ اعصاب دولت با مردم و پمپاژ یأس و ترس و ناامنی پایان دهد.

۵) کارخانه‌های تعطیل و نیمه‌تعطیل بسیاری، با وجود کارشکنی بی‌وقفه آمریکا و انگلیس و فرانسه و دیگران، در دولت شهید رئیسی احیا شدند و به چرخه کار و تولید برگشتند. در دولت برجام که ادعا می‌کرد به واسطه بستن با آمریکا، هم چرخ سانتریفیوژ خواهد چرخید و هم چرخ کارخانه‌ها، و مردم از پول ناچیز یارانه بی‌نیاز خواهند شد، ۸۰۰۰ کارخانه تعطیل شد. شاید کمتر به این موضوع اندیشیده‌ایم که با تعطیلی هر کارخانه، کوه فلاکت بر سر خانواده صدها یا هزاران کارگر آوار می‌شد. برخی مدیران، خواب ماندند، یا خود را به خواب زدند و هشت سال فرصت در حالی سپری شد که معدل رشد اقتصادی این دوره، به رقم تقریباً هیچ «۶ دهم درصد» سقوط کرد. پایان دوره بی‌تدبیری و لجبازی و نصیحت ناپذیری، با سکانداری آقای رئیسی در دولت، امید بسیاری را در میان مردم و نخبگان زنده کرد. تقریباً هفته‌ای نبود که چند رسانه آمریکایی یا اروپایی اذعان نکنند ایران در دوران ریاست جمهوری سید ابراهیم رئیسی، بی‌نیاز از غرب و بی‌اعتنا به تهدیدها، در حال تبدیل شدن به قدرت سیاسی اول منطقه است و توانسته رشد اقتصادی پنج درصد را با وجود تحریم‌ها به ثبت برساند.

۶) ده‌ها هزار کارگر و خانواده‌های آنها (از جمله در هپکوی اراک، نیشکر هفت تپه، ماشین‌سازی تبریز، پالایشگاه کرمانشاه، کشت و صنعت مغان، کیان تایر، صنایع چوب و کاغذ مازندران، رادیاتورسازی یزد، کاشی سمنان، قند یاسوج، نساجی قائمشهر، ایران تراورس و...) که به خاطر رکود و تعطیلی یا کاهش فعالیت هزاران کارخانه عزا گرفته بودند، حالا با رونق گرفتن همان کارخانه‌ها، امید و نشاط پیدا کرده بودند. امید، کالایی خریدنی و وارد کردنی نبود که بتوان از ژنو و لوزان و وین و نیویورک، وارد کرد. سازه حیات بخشی بود که باید با همت مدیران و تولیدکنندگان و کارگران، آجر به آجر روی هم چیده می‌شد و دیوار آن فراز می‌آمد. سید ابراهیم رئیسی، دامن همت به کمر زده بود و استان به استان و کارخانه به کارخانه می‌رفت، چالش‌ها را می‌شنید، وزیران و معاونان را شبانه‌روز به صف می‌کرد، و با کمک دستگاه قضائی، گرگ‌های کارخانه‌خوار و آماده بلعیدن را عقب می‌راند. امید، این‌گونه در دل تولیدکنندگان و کارآفرینان جوانه زد. رشد اقتصادی چهار تا پنج درصدی، فقط به خاطر این نبود که صادرات نفت چند برابر شده و صادرات غیرنفتی رونق گرفته بود –که همین هم به خودی خود با ارزش بود– بلکه مهم‌تر از آن، احیای امید در میان کارگران و کارآفرینان و تولیدکنندگان بود. در این فرآیند، دولت رئیسی موفق شد فقط در سال ۱۴۰۲، بالغ بر ۱۱۰۰ پروژه عمرانی را به ارزش بیش از ۵۰۰ هزار میلیارد تومان در سراسر کشور به بهره‌برداری برساند.

۷) به عنوان یک نمونه دیگر، می‌توان به موضوع خودکفایی گندم اشاره کرد. کشور در اثر سیاست‌های نادرست دولت «برجام و دیگر هیچ»، از خودکفایی در ابتدای دهه ۹۰، به واردات ۷ میلیون تُن گندم در سال ۱۴۰۰ رسید؛ آن هم در شرایطی که جنگ اوکراین موجب بحران جهانی در این زمینه شده بود. در نیمسال پایانی دولت روحانی، میزان خرید تضمینی از کشاورزان، به ۴.۵ میلیون تن کاهش یافت و به ناچار، بیش از ۷ میلیون تن گندم از طریق واردات تأمین شد. این فاجعه در حالی بود که در اواخر همان دولت، درآمدها و ذخائر ارزی هم ته کشیده بود و امنیت غذایی کشور تهدید می‌شد. در مقابل، با پیگیری و اهتمام و برنامه‌ریزی دولت شهید رئیسی، کشور با تولید ۱۵ میلیون تُن و خرید ۱۲ میلیون تن از کشاورزان، مجدداً به خودکفایی در تأمین گندم رسید.

۸) دولت فعلی می‌تواند و باید، مأموریت نیمه‌تمام شهید رئیسی را پیش ببرد، طرح‌های برزمین مانده را پیگیری کند و به سرانجام برساند. این کار نیازمند تحرک جدید و مضاعف در میان وزرا و معاونان رئیس‌جمهور است. نظرسنجی اخیر اتاق بازرگانی از مدیران (شامخ/ شاخص مدیران خرید) نشان می‌دهد که برخی حوزه‌های اقتصادی ظرف شش ماهه گذشته، مجدداً دستخوش رکود شده‌اند. در مقابل، معرفی وزیر اقتصاد پیشنهادی به مجلس که قرار بود این هفته انجام شود، باز هم به تأخیر افتاده است. پیداست تیم اقتصادی دولت، تکاپو و تحرک لازم را ندارد و همین کاستی موجب می‌شود، کفه شرطی‌سازی اقتصاد از مسیر پروپاگاندای رسانه‌ای دشمن تقویت می‌شود. این رخوت در حالی است که به تجربه می‌توان گفت محال است دشمن ۸۶ سال گذشته ملت ایران، سلاح تحریم‌ها را به واسطه مذاکره و توافق کنار بگذارد و دست از شرارت بردارد. تحریم‌های ویزا، آسیا و سیسادا (و سپس کاتسا و ۱۲۰۰ تحریم پسابرجامی دیگر) هرکدام، میخی بر تابوت ساده‌انگاری و خوش‌خیالی در این‌باره است.

۹) اواخر بهمن‌ماه گذشته، ارزیابی یک مرکز نظرسنجی حاکی از آن بود که بیش از ۶۰ درصد شرکت‌کنندگان، به آینده کشور خوش‌بین هستند، اما اعتماد به دولت، کمتر از ۵۰ درصد است. این خبر را یکی از روزنامه‌های حامی دولت منتشر کرده و نوشته بود: «در پیمایشی که از سوی مرکز نظرسنجی شناخت انجام شده، نمره شاخص اعتماد به دولت، از ۱۰، عدد ۴/۱۳ را کسب کرده است. در همه موارد ارزیابی، دولت نتوانست نیمی از اعتماد شرکت‌کنندگان را جلب کند. در مسئله اقتصادی، بیش از ۵۰ درصد معتقد بودند دولت، توانایی حل مشکلاتی همچون تورم و بیکاری را ندارد.

بقیه در صفحه ۱۱

عراقچی:

غنی‌سازی قابل معامله نیست
خون دانشمندان پای آن ریخته شده است

سرویس سیاسی-

وزیر امور خارجه پیش از آغاز دور چهارم مذاکرات گفت: غنی‌سازی یکی از دستاوردها و افتخارات ملت ایران است و برای آن هزینه سنگینی پرداخت شده است و خون دانشمندان هسته‌ای ما پای این دستاورد است و قطعا قابل معامله نیست.

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران روز یکشنبه ۲۱ اردیبهشت‌ماه درباره دور چهارم مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا با واسطه عمان قبل از عزیمت به مسقط گفت: بعد از سفر دیروز به منطقه و رایزنی‌ها با عربستان و قطر، امروز عازم دور بعدی مذاکرات هستم. امروز صبح در تهران مشورت‌های بیشتری را داشتیم. در این دور امیدواریم به یک نقطه تعیین‌کننده‌ای برسیم.

دور اول، دوم و سوم این مذاکرات درباره موضوع هسته‌ای ایران و رفع تحریم‌ها به ترتیب در مسقط (۲۳ فروردین‌ماه)، رم (۲۷ فروردین‌ماه) و (۶ اردیبهشت‌ماه) مسقط برگزار شد و قرار بود دور چهارم هم ۱۳ اردیبهشت‌ماه در رم برگزار شود که وزیر خارجه عمان از تعویق آن بنا به دلایل لجستیکی خبر داد.

صحبت‌های ضد و نقیض طرف آمریکایی

رئیس دستگاه دیپلماسی اضافه کرد: متأسفانه صحبت‌های ضد و نقیض زیاد از طرف مقابل می‌شنویم، هم در مصاحبه‌هایی که انجام می‌دهند هم در مواضعی که اتخاذ می‌کنند تناقض وجود دارد در رسانه‌ها مواضعشان مرتب عوض و جابه‌جا می‌شود و این یکی از مشکلات مذاکره است.

به گزارش فارس، در طی روزهای اخیر و در آستانه دور چهارم مذاکرات باز هم شاهد اظهاراتی از سوی ویتکاف و همچنین ترامپ بودیم. او گفت: «تأسیسات غنی‌سازی ایران باید برچیده شود. آن‌ها نباید سانتریفیوژ داشته باشند، باید تمام سوخت غنی شده خود را رقیق کرده و به جایی دور منتقل کنند و اگر می‌خواهند برنامه غیرنظامی داشته باشند، باید به برنامه‌ای غیرنظامی روی بیاورند.»

ما در یک خط کاملا مستقیم حرکت کردیم

عراقچی در همین خصوص گفت: ایران مواضع شناخته شده‌ای دارد که بر اصولی قرار دارد و ما در یک خط کاملا مستقیم حرکت کردیم. مواضع ما کاملا روشن است. برنامه هسته‌ای ایران از یک پایه‌های حقوقی و قانونی قوی برخوردار است و تمامی ابعاد آن صلح‌آمیز است و همواره تحت نظارت آژانس بوده و خواهد بود.

رئیس دستگاه دیپلماسی تصریح کرد: این جزو حقوق مردم ایران است که حتی قابل مذاکره و معامله نیست. غنی‌سازی یکی از دستاوردها و افتخارات ملت ایران است و برای آن هزینه سنگینی پرداخت شده است و خون دانشمندان هسته‌ای ما پای این دستاورد است و قطعا قابل معامله نیست. این موضع روشن ما بوده و همواره هم اعلام کرده‌ایم.

طرحی که ایران و طرح‌هایی که آمریکا ارائه داد

رئیس دستگاه دیپلماسی بیان کرد: البته اگر سؤالات، ابهامات و نگرانی‌هایی وجود داشته باشد، آماده‌ایم اعتمادسازی کنیم و آماده‌ایم اقداماتی صورت دهیم که اعتماد بیشتری جلب شود. این منطق ما همیشه از اول بوده و در مذاکرات گذشته منطق ما همین بوده است. الان هم براساس همین منطق به طرف‌های مقابل خودمان طرحی که می‌تواند تضمین کند که برنامه هسته‌ای ایران همواره صلح‌آمیز خواهد ماند را ارائه دادیم آنها هم طرح‌های خودشان را دادند، ولی همان‌طور که گفتم ایده‌های متناقضی را از آنها شاهدیم.

وی بار دیگر به صراحت تکرار کرد: حقوق مردم ایران کاملا مشخص است. اصول و مواضع ما در برنامه هسته‌ای کاملا روشن است و اینها چیزهایی نیست که قابل مصالحه و معامله کردن باشد، ولی برای اعتمادسازی و شفاف‌سازی بیشتر از آنچه هست آمادگی داریم و امیدواریم طرف مقابل با منطق مذاکراتی روشن بیاید.

وزیر امور خارجه با یادآوری این نکته که مباحث مذاکراتی باید در پشت میز مذاکره انجام شود، اظهار داشت: طرح رسانه‌ای آنها بر خلاف منش مذاکرات است و جدیت و اراده طرف مقابل را زیر سؤال می‌برد.

عراقچی افزود: امیدواریم در این دور از مذاکرات یک مذاکرات کاملا سازنده و رو به جلو داشته باشیم، با حفظ مواضع اصولی ایران و همان‌طور که بارها گفتم و تکرار می‌کنم اگر غرض این است که اطمینان حاصل شود ایران سلاح هسته‌ای نخواهد داشت این کاملا قابل حصول است و توافقی که این مضمون را بخواهد داشته باشد، حتما قابل دسترسی است.

وی تصریح کرد: ولی بیشتر از آن اگر تقاضاهای غیرمعقول و غیرواقعی و تقاضاهایی که قابل عملیاتی شدن نیست داشته باشند، طبیعی است که مذاکره با مشکل مواجه خواهد شد.

انتظار مواضع ثابت از طرف مقابل داریم

این دیپلمات عالی‌رتبه ایرانی همچنین درباره پیش‌بینی از آینده مذاکرات گفت: ما در مذاکرات گذشته با یک فضای مثبت و سازنده‌ای مواجه بودیم طرف مقابل ما همواره اصرار داشته که جدیت خود را نشان دهد و علاقه‌مندی خود را برای رسیدن به توافق نشان دهد، ولی این جدیت برای خود الزاماتی دارد و با برخی مواضعی که آنها در خارج از محیط مذاکره می‌گیرند و مواضع رسانه‌ای تناقض پیدا می‌کند و این روند مذاکره را دچار ابهام می‌کند و از مسیر صحیح و سالم خود مقداری خارج می‌کند.

وی یادآور شد: درک می‌کنیم آنها مخاطبان مختلفی را دارند و شاید پاسخگوی خیلی جاها باید باشند و عواملی هستند که فشار می‌آورند و عواملی هستند که دنبال جنگ افروزی هستند و ما این‌ها را می‌فهمیم، ولی این مشکل آنهاست، نه مشکل ما و مشکل مذاکره نباید باشد.

به گفته وزیر خارجه در پشت میز مذاکره اصول و مرامی است که باید رعایت شود و مسائل مذاکراتی از طریق رسانه‌ها نمی‌تواند صورت بگیرد.

عراقچی گفت: انتظار مواضع ثابت و ثابت قدم از سوی طرف مقابل داریم، همان‌طور که مواضع ایران کاملا ثابت و اصولی و بنیادین است.

عراقچی: تناقض‌گویی مواضع آمریکایی‌ها در رسانه‌ها به روند مذاکرات آسیب می‌زند

سیدعباس عراقچی پس از پایان دور چهارم مذاکرات نیز در گفت‌وگو با صدا و سیما اظهار داشت: دور چهارم مذاکرات امروز برگزار شد. می‌توانم اعلام کنم که این دور از مذاکرات نسبت به دور پیشین، بسیار جدی‌تر و صریح‌تر بود. ما از کلی‌گویی‌های معمول فاصله گرفتیم و وارد مباحث جزئی‌تر شدیم؛ طبیعی است که در این شرایط، مذاکرات دشوارتر نیز خواهد شد.

وی افزود: با وجود دشواری‌ها و صراحت در گفت‌وگوها، مذاکرات بسیار مفیدی انجام شد و می‌توان گفت که دو طرف اکنون درک بهتری از مواضع یکدیگر دارند. بخش قابل توجهی از موضوعات اصلی مورد اختلاف، به‌طور گسترده‌تری مورد بحث قرار گرفت و ابعاد آن روشن‌تر شده است. اکنون مواضع طرفین تا حدی به یکدیگر نزدیک‌تر شده و در مجموع می‌توان ارزیابی مثبتی از روند گفت‌وگوها ارائه داد.

عراقچی ادامه داد: تصمیم بر آن شد که مذاکرات ادامه یابد. هر دو طرف بر تداوم گفت‌وگوها تأکید دارند و برگزاری جلسه بعدی نیز مورد توافق قرار گرفته است. با این حال، تعیین زمان و محل دقیق نشست آتی به دلیل تداخل برنامه‌های طرفین، به وزیر امور خارجه عمان واگذار شده است. با این حال، پیش‌بینی می‌شود جلسه بعدی ظرف حدود یک هفته آینده، با یکی دو روز اختلاف، برگزار شود.

وی همچنین با اشاره به رفتارهای متناقض طرف آمریکایی در فضای رسانه‌ای گفت: متأسفانه، از سوی طرف آمریکایی، به‌ویژه در عرصه عمومی و رسانه‌ای، مواضع ضد و نقیضی مطرح می‌شود که این موضوع به هیچ عنوان به روند مذاکرات کمکی نمی‌کند. امروز یکی از محورهای بحث ما همین موضوع بود، چراکه این رویه به سود روند گفت‌وگوها نیست و باید اصلاح شود.

عراقچی با تأکید بر ثبات مواضع جمهوری اسلامی ایران تصریح کرد: همان‌طور که جمهوری اسلامی ایران بر مواضع خود استوار است و در بیان دیدگاه‌های خود دقت دارد و از ارائه مواضع متضاد پرهیز می‌کند، انتظار می‌رود طرف آمریکایی نیز چنین رویکردی داشته باشد. همان‌گونه که اشاره کردم، مباحث امروز بسیار مفید بود و امیدواریم که در آینده شاهد کاهش چنین رفتارهایی باشیم. با این حال، به‌روشنی اعلام شد که برداشت‌های رسانه‌ای متناقض برای ما پذیرفتنی نیست و در صورت تکرار، ما نیز ناگزیر به واکنش متقابل خواهیم بود.

بقیه در صفحه ۱۱

گفت و شنود

مگه احمق ندیدین؟!

گفت: چه خبر؟!

گفتم: «مایک هاکبی» سفیر آمریکا در رژیم صهیونیستی گفته است؛ «هیچ توافقی وجود نخواهد داشت که در آن ایرانی‌ها ظرفیت هسته‌ای داشته باشند»!

گفت: دیگه چی؟!

گفتم: ادعا کرده که گزینه نظامی علیه ایران همچنان روی میز است!

گفت: چهل و چند ساله که گزینه نظامی روی میز رؤسای جمهور آمریکاست، چرا تاکنون نتوانسته‌اند هیچ غلطی بکنند؟!

گفتم: اتفاقاً یکی از مفسران شبکه آمریکایی «سی‌ان‌ان» هم به همین موضوع اشاره کرده و نتیجه گرفته بود که این ترفند علیه ایران کارآمد نیست و متحدان منطقه‌ای آمریکا را نسبت به توان آمریکا با تردید جدی روبه‌رو کرده است.

گفت: از رو که نمی‌روند! حالا با وجود این همه قُمپزی که در کرده‌اند و هیچ غلطی نکرده‌اند، جواب متحدان منطقه‌ای خود را چه می‌دهند؟!

گفتم: جیب‌بری دست توی جیب شخصی کرد و طرف که متوجه شده بود، سیلی محکمی به او زد و گفت؛ احمق بی‌شعور! و یارو به مردمی که با حقارت بهش نگاه می‌کردند، گفت؛ چیه؟ احمق بی‌شعور ندیده‌اید؟!

مخبر در دیدار خانواده شهید امیرعبداللهیان:

شهید امیرعبداللهیان، مدافع منافع ملت ایران و پشتیبان جبهه مقاومت بود

مشاور و دستیار رهبر معظم انقلاب اسلامی گفت: شهید امیرعبداللهیان از جمله مدیران شجاع، با اخلاص و بصیر کشور بود که با درک عمیق از تحولات منطقه و جهان، همواره مدافع منافع ملت ایران و پشتیبان جبهه مقاومت اسلامی بود.

محمد مخبر، مشاور و دستیار رهبر معظم انقلاب اسلامی در آستانه سالگرد شهادت شهدای خدمت، با حضور در منزل شهید امیرعبداللهیان ضمن ادای احترام به مقام این شخصیت انقلابی و فداکار، با خانواده وی دیدار کرد و با قرائت فاتحه، یاد و خاطره او را گرامی داشت.

در این دیدار صمیمی که خانواده مخبر نیز حضور داشتند، وی با اشاره به نقش کم‌نظیر شهید امیرعبداللهیان در پیشبرد دیپلماسی فعال، مقتدر و انقلابی جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت: او از جمله مدیران شجاع، بااخلاص و بصیر کشور بود که با درک عمیق از تحولات منطقه و جهان، همواره مدافع منافع ملت ایران و پشتیبان جبهه مقاومت اسلامی بود.

وی ادامه داد: شهید امیرعبداللهیان در طول سال‌های خدمت خود در عرصه سیاست خارجی، نشان داد که با روحیه انقلابی، می‌توان در برابر فشارهای بین‌المللی ایستاد و در عین حال زبان گویای ملت مظلوم و مقتدر ایران و صدای رسای حق‌طلبی در جهان بود.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام همچنین با تجلیل از صبر و استقامت خانواده معظم این شهید، تأکید کرد: خانواده شهدای خدمت، ادامه‌دهنده راه ایثار و فداکاری عزیزان خود هستند و نقش آنان در حفظ و ترویج فرهنگ شهادت و خدمت، بسیار ارزشمند و الهام‌بخش است.

سرپرست سابق ریاست جمهوری و معاون اول دولت سیزدهم در پایان با تاکید بر ضرورت تداوم راه و اندیشه شهید رئیسی و شهید امیرعبداللهیان گفت: وظیفه خود می‌دانیم که با تأسی به منش و نگاه راهبردی رئیس‌جمهور شهید آیت‌الله رئیسی و تمام شهدای پرواز اردیبهشت، مسیر خدمت صادقانه آنها به مردم و نظام اسلامی را ادامه دهیم.

خبر ویژه

هم‌میهن: مثل زلنسکی باشیم
درباره نام خلیج فارس غیرتی نشویم(!)

روزنامه شیدای مذاکره به هر قیمت با ترامپ می‌گوید نباید از دولت ترامپ به خاطر تقلا برای تغییر نام خلیج‌فارس متنفر بشویم!

«هم‌میهن» در مقاله‌ای سخیف و موهن و مبتذل با عنوان « تله نام جعلی/ دفاع از هویت ملی نباید با نفرت‌پراکنی آمیخته شود» نوشت: در ایران خیلی‌ها متعجب‌اند که چرا ترامپ تصمیم گرفته به نام خلیج عربی در آمریکا رسمیت ببخشد، آن هم در شرایطی که مذاکراتی میان ایران و آمریکا در جریان است و ترامپ بارها از ایران به نیکی یاد کرده است. با این حال در ایران در مورد این که چه واکنشی باید نشان داده شود به نظر می‌آید اتفاق نظر وجود دارد و آن هم عبارت است از این که چون این مسئله مانند بسیاری از مسائل دیگر ناموسی است باید به شدیدترین شکل ممکن با آن برخورد شود؛ حتی ممکن است برخی در این شرایط به قطع مذاکرات و افزایش تنش بیندیشند.

از آنجا که طبق تجربه تاریخی شخصیت ملی ایرانی، احساسی و آرمان‌گراست، مطرح کردن بحث خلیج عربی می‌تواند تله‌های احساسی پیش روی توسعه ایران را بگشاید. دانستن این که چرا ترامپ این کار را کرد برای ذهنیت ملی ایرانی ممکن است دشوار باشد. از نظر ایرانیانی که آرزو دارند «فروغ دیده حق‌باوران» باشند سیاست چیزی نیست جز جست‌وجوی حقیقت، در حالی که تقریباً در همه کشورهای توسعه‌یافته جهان سیاست چیزی نیست جز جست‌وجو برای منافع.

در واقع در حالی که ممکن است خیلی از ایرانی‌ها از رفتار ترامپ متعجب باشند، خیلی از مردم جاهای دیگر هم از ایرانی‌ها متعجب‌اند که چرا انتظار دارند وقتی منافع آمریکا اقتضا کند، وقتی پول‌های سعودی و سایر کشورهای ثروتمند عربی می‌تواند در آمریکا سرمایه‌گذاری شود، ترامپ باید به تاریخ وفادار باشد؟ مگر او تاریخدان است؟ یا این که یک روشنفکر و پژوهشگر است؟ ترامپ مثل هر سیاستمدار دیگر وکیل مردم کشور خود است و وظیفه دارد منافع موکلین خود را دنبال کند. پس ترامپ دشمنی ذاتی با ایران، مردم ایران، یا حتی جمهوری اسلامی ایران ندارد.

نویسنده می‌افزاید: «در پاسخ به سؤال چه باید کرد؟، در واقع باید کاری کرد که ایران هم مثل امارات و عربستان جذاب شود و منافع ملی این کشورها مستلزم خودداری از رنجش دولت و مردم ایران باشد و این فقط در مورد آمریکا و قدرت‌های جهانی نیست، حتی کشورهای عربی هم باید احساس کنند مطرح کردن اسم خلیج عربی می‌تواند سرمایه‌های آن‌ها در داخل ایران یا جاهای دیگر را به خطر بیندازد. وقتی منزوی باشیم، وقتی منافع دیگران با منافع ما گره نخورده باشد، آن دیگران دور هم می‌نشینند و بین هم توافق می‌کنند که به خلیج‌فارس بگویند خلیج عربی. پس از آن دیگر هیچ اهمیتی ندارد که ما بین خودمان چه می‌گوییم.

علاوه‌بر این شاید اصلاً مطرح شدن نام خلیج عربی در شرایط حاضر صرفاً یک اقدام نمادین نبوده و تلاشی باشد برای انزوای بیشتر ایران. در واقع برای آن‌هایی که مخالف عادی شدن سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هستند دستاورد ملموس داشته باشد. در رأس آن‌ها می‌تواند اسرائیل باشد که در هفته‌های اخیر دچار شکست عشقی در رابطه خود با آمریکای ترامپ شد. به همین دلیل ممکن است مطرح کردن نام جعلی برای خلیج‌فارس تنها یک دغدغه نمادین ناسیونالیست عربی نبوده و یک تله بوده باشد.

درنتیجه، ضمن مخالفت منطقی با نام جعلی و حاکمیت امارات بر جزایر سه‌گانه، باید از نفرت‌پراکنی نسبت به آمریکا، عربستان، امارات، روسیه، چین، سایر کشورهای عربی، و سایر کشورهایی که ممکن است ادعاهای ما را نپذیرند خودداری کنیم تا ابتدا بتوانیم سرمایه‌های آن‌ها را جذب کنیم تا بعد بتوانیم تهدید کنیم که مطرح کردن ادعاهای غیرمنطقی نمادین می‌تواند برای سرمایه‌های واقعی آن‌ها خطرناک باشد. این موضوع در شرایط کنونی، در مورد آمریکا و به‌ویژه در مورد ترامپ اهمیت بیشتری دارد.

ترامپ یک بار زلنسکی را از کاخ سفید بیرون انداخت، اما رئیس‌جمهور اوکراین به خاطر منافع ملی کشورش بر خشم خود غلبه کرد و توانست ورق را به نفع خود برگرداند: او قرارداد مواد معدنی را با آمریکا امضا کرد تا کمک‌های آمریکا در جنگ اوکراین مقابل روسیه قطع نشود. به نظر می‌رسد در سیاست خارجی، زلنسکی الگوی بهتری است تا شوونیست‌های احساسی آرمانگرا».

درباره این یادداشت مبتذل گفتنی است که اولاً غیرت و حساسیت ملی، عین عقلانیت و عزت است و نه رفتاری احساسی یا شوونیستی. نویسنده در این‌جا در واقع زیرآب اعتراض به خباثت دولت آمریکا را می‌زند. ثانیاً ادعای اینکه فلان دشمنی دشمنان «تله است»، به رویه‌ای جاری در میان غربگرایان تبدیل شده و آنها واکنش و اقدام متقابل به شرارت دولت‌های اوباما و بایدن و ترامپ و حتی رژیم منحوس اسرائیل را رد کرده و در واقع به دشمن این چک سفید امضا را داده‌اند که خیالتان راحت! هر غلطی خواستید مرتکب بشوید و نگران واکنش ما نباشید!

ثالثاً این هم رذالت دیگری است که نویسنده پایمال کردن حقوق دیگر ملت‌ها را توسعه‌یافتگی یک کشور وانمود می‌کند و حال آن که همین حالا متحدان آمریکا در اروپا و کانادا نسبت به یاغیگری و بی‌قانونی‌های ترامپ ابراز انزجار می‌کنند. رابعاً آیا ابراز نوکری سعودی‌ها یا برخی مقامات اوکراینی موجب شد تا ترامپ از یاغی‌گری و هنجار شکنی نسبت به آنها دست بکشد و مثلاً عنوان گاو شیرده را به سعودی‌ها اطلاق نکند یا زلنسکی آماده امضاب قرارداد واگذاری نیمی از معادن کشورش را تحقیر نکند؟!

خامساً کدام عقلانیت و کرامتی می‌گوید ناموس و عزت ملی خود را فعلاً حراج کنید تا آمریکا را فریب بدهید تا بعداً بتوانید به او در موارد مشابه اعتراض کنید؟!

سادساً این تعبیر که «زلنسکی به خاطر منافع ملی کشورش بر خشم خود غلبه کرد و توانست ورق را به نفع خود برگرداند: او قرارداد مواد معدنی را با آمریکا امضا کرد تا کمک‌های آمریکا در جنگ مقابل روسیه قطع نشود»، از اساس دروغ است. به غارت دادن نیمی از معادن کمیاب کشور خود کجایش منفعت ملی است؟ بماند که به اذعان تحلیلگران آمریکایی مانند مرشایمر، جنگ اوکراین، شیطنت آمریکا برای گرفتار کردن روسیه ولو به قیمت ویرانی اوکراین بود.

یادآور می‌شود سردبیر هم‌میهن، شهریور ۱۳۹۹ با اشاره به تحقیر رئیس‌جمهور صربستان از سوی ترامپ، در نشریه صدا نوشته بود: «از نگاه منتقدان، عکسی که ترامپ از مذاکره‌کننده می‌پسندد، این است: همچون برّه‌ای در مذبح و برده‌ای در مسلخ. آیا اقداماتی از این جنس را باید مایه شرمساری دانست؟ فرض کنیم سیاستمدار صرب همچون متهمی در اتاق بازجویی و حتی یک برده در مقابل همتای آمریکایی نشسته؛ اگر منافع چنین اقتضایی کند، باید این اقدام را تمسخر کرد، یا عقلانیتی سیاسی خواند؟»!

حق غنی‌سازی حداکثری ایران و بحث انحرافی ۳/۶۷ درصد

مانور یکی در میان مقامات آمریکایی مبنی بر پذیرش یا رد پایین‌ترین حد غنی‌سازی در ایران، عملیات فریب برای انحراف مسیر مذاکرات است.

برخلاف فضاسازی و قاب‌بندی طرف آمریکایی، اختلاف در مذاکرات بر سر غنی‌سازی ۳/۶۷ درصدی نیست. در این فضاسازی رندانه، توقف غنی‌سازی بیش از این میزان قطعی تلقی، و چنین وانمود می‌شود که موضوع مذاکره، امکان یا عدم امکان کف غنی‌سازی است!

اما واقعیت، چیز دیگری است. اولاً معاهده NPT حق بالاترین میزان غنی‌سازی را به اعضا از جمله ایران داده و صرفاً ساخت سلاح هسته‌ای را ممنوع کرده است. ثانیاً ایران قبلا در دولت اول اوباما، خباثت حریف را برای چندمین بار تجربه کرده که چگونه وعده توافق بر سر تأمین سوخت ۲۰ درصد رآکتور تهران را دادند، اما در ادامه، بر سر راه خرید آن از کشور ثالث کارشکنی کردند.

آمریکا همان دوره، نیاز ۹۵۰ هزار بیمار به رادیو دارو را که باید در رآکتور تهران تولید می‌شد، گروگان گرفت و ثابت کرد که ایران نمی‌تواند تأمین نیازهای خود را به خارج از کشور یا وعده‌های دشمن موکول کند.

آمریکایی‌ها همچنین می‌گویند ایران به جای برنامه هسته‌ای بومی، رآکتور تولید برق و سوخت آن را از طریق کشورهای دیگر تأمین کند. این موضوع هم به خاطر بدعهدی طرف‌های آلمانی و فرانسوی، تبدیل به درس عبرت شده است. همان گونه که زیمنس آلمان، تعهد ساخت نیروگاه بوشهر را زیر پا گذاشت، شرکت یورودیف فرانسه نیز حاضر نشده سهم اورانیوم غنی شده به ایران را بدهد و حال آن که از اوایل دهه ۱۹۷۰، ده درصد از سهام و تولیدات غنی‌سازی یورودیف از سوی ایران خریداری شده است.

بنابراین، هیچ توجیهی ندارد که ایران بخواهد از حق غنی‌سازی ۶۰ یا ۲۰ درصد عقب‌نشینی کند و به چانه‌زنی درباره امکان یا تعطیلی درباره غنی‌سازی ۳/۶۷ درصد بپردازد. این در حالی است که مقامات آمریکایی نه ثبات گفتاری دارند و نه سخنی از لغو مؤثر تحریم‌ها به میان آمده است.

نکته مهم دیگری که هرگز نباید فراموش شود، طلبکاری ایران در برجام (مستند به قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت) و قانون‌شکنی و قرار گرفتن ترامپ در جایگاه متهم است. در این شرایط تیم مذاکره‌کننده ایرانی نباید اجازه دهد طرف متهم و مجرم روند چند سال گذشته